

## «حلوایی» همه قواعد را

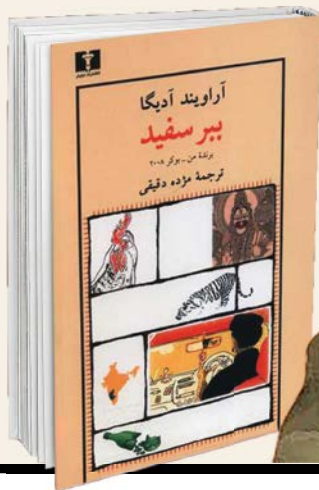
## به هم می زند

سعیده اسداللهی

منتقد  
ادبی

مورو می گوید که نیمی از نوشتن، روان شناسی است. محور یا مجموعه رفتاری ثابتی وجود دارد. مردم به تصادف عملی را انجام نمی دهند. نویسنده برای هماهنگی رفتار شخصیت با رفتار آدمی باید بداند که مردم در اکثر موقعیت ها چه عملی انجام می دهند. مردم بدون دلیل کاری نمی کنند. هر کاری انگیزه و قصدی دارد. درست همان طور که بخشی از شخصیت پردازی به خلق ظاهر بیرونی و رفتار شخصیت مربوط می شود، شناخت اعمال درونی شخصیت، روان شناسی را نیز در بر می گیرد. برای نویسنده رمان این امکان وجود دارد که با برقراری ارتباط با روان شخصیت به ذهن او راه پیدا کرده و حالات او را دریابد. این امر به خواننده نیز امکان می دهد تا بداند شخصیت چه فکر یا احساسی دارد. درک این مطلب که همه آدم ها امیال خاصی دارند، ولی واکنش یکسانی نسبت به زندگی ندارند، کلید خلق شخصیت های چندبعدی با حیات بیرونی غنی و حیات درونی قوی به شمار می رود.

«ببر سفید» عنوان اولین رمانی است که آراویند آدیگا نویسنده هندی آن را در سال ۲۰۰۸ منتشر کرد و در همان سال برنده جایزه من بوکر در بخش داستان شد. این نویسنده در پرداخت شخصیت ماندگار بالرام حلوایی، پیشخدمتی که طی هفت شب، روایت زندگی خودش را برای مخاطبی خیالی تعریف می کند، بسیار پر قدرت عمل کرده است. روایت حلوایی علاوه بر آشکار کردن درونیاتش در برابر مخاطب، روایت جامعه سیاه هندوستانی است که با بهره کشی از طیف وسیعی از مردم فقیر و ضعیف در پی رسیدن به آرمان های دروغینی است که سال ها وعده اش را داده اند. آنچه از زبان این شخصیت با طنزی ظریف بازگو می شود همان واقعیت هایی است که همه منافعش شامل حال ثروتمندان شده و اقشار ضعیف را به نابودی می کشاند. با وجود این بالرام شخصیتی نیست که تسلیم این سیستم باشد. وی همه قواعد را به هم می زند و در برابر اربابش که شخصیتی متفاوت دارد، به گونه ای دیگر عمل می کند. وی ببر سفیدی است که با عصیان یگانه تصمیم می گیرد به هر قیمتی که شده طبقه اجتماعی خود را تغییر دهد. بالرام با بیان روایت زندگی اش شرایط و فرهنگ حاکم بر جامعه و طبقه ثروتمند هند را به شدت نقد می کند. رمان ببر سفید در ۲۸۶ صفحه با ترجمه ای از مژده دقیقی در نشر نیلوفر به چاپ رسیده است.



نگاهی به کتاب «بلندی های بادگیر» نوشته امیلی برونته

## اگر چشم ها متکلم بودند

در هر عصر، از ظرافت و زیبایی و توصیفات فوق العاده این اثر، حرف تازه ای از آنها بیرون می کشند.

این کتاب گرچه در نگاه اول داستانی عاشقانه است ولی به مرور رفتارهای خشن و تأثیرات آنها بر کنش آدمی به تصویر کشیده شده است. برخی منتقدان بر این عقیده اند که شخصیت کاترین، حدیث نفسی از خود امیلی است. همچون امیلی، همه کودکان این کتاب در بدو تولد یا خردسالی مادر خود را از دست می دهند. همانند امیلی و خواهرانش، کاترین و هیت کلیف نیز اوقات خود را در طبیعت وحشی اطراف دهکده سپری می کنند و هیچ دوستی ندارند. برادر کاترین، هیندلی که با حمایت خانواده برای ادامه تحصیلاتش از دهکده خارج شده، بی خبر از دواج می کند و بعد از مرگ همسر به هنگام تولد تنها پسرش، به قمار و الکلی رومی آورد. انعکاسی از پاتریک برادر امیلی در داستان است. جوزف، خدمتکار مذهبی و متعصب خانواده ارشائو نیز نمودی از پدر مذهبی و سختگیر نویسنده در داستان است.

پایه و اساس این کتاب بر مبنای داستان زندگی خود برونته و شخصیت و باورهایش است. در این رمان برونته جهانی را ترسیم می کند که در آن آدم ها زود ازدواج کرده و به همین ترتیب زود از دنیا می روند که در دوره ای زندگی او به همین منوال بوده است. نوع زندگی و رشد او اثر بسیار زیادی روی نوشتن اش داشته است. هیچ رمانی از دیرباز تاکنون به اندازه بلندی های بادگیر در اعماق شور عشق نفوذ نکرده و به دنبال آن نرفته است. شخصیت های اصلی داستان به سختی شبیه سایر انسان ها هستند و از هرگونه تحلیل روان شناختی سرپیچی می کنند. آنها نیروهای اصلی طبیعت و احساسات تجسم یافته ای هستند. تلفیق طبیعت و انسان در داستان فقط در رمان های بزرگی این چنین دیده می شود.

به خاطر شکوه تراژیک این اثر و زیبایی سبک، هیچ تحسینی نمی تواند برای آن زیاد باشد. نتیجه همه اینها، یک خلاقیت منحصر به فردی است که با نادیده گرفتن همه مدل های پذیرفته شده رمان معاصر، بیشتر به دنبال سادگی و عظمت تراژدی کهن مشهور است. کتاب بلندی های بادگیر در ایران به نام «عشق هرگز نمی میرد» نیز شناخته می شود که امیلی در آن به راحتی توانسته است از نابرابری های جنسیتی و طبقاتی، مسائل مذهبی و عشق غیر اخلاقی که از خط قرمزهای انگلستان آن زمان بود سخن بگوید. راوی کتاب بلندی های بادگیر، زنی است که ماجراهای عجیب و شورانگیزی از عشق در دو خانواده را شرح می دهد و ضمن آن از بد اخلاقی ها، بد رفتاری ها، هوس های غیر صحیح و مرگ و میرها سخن می گوید. و اما بخوانیم از زیباترین توصیف های این کتاب که نشان از پختگی قلم نویسنده است: «اگر چشم ها متکلم بودند، البته ترین آدم ها هم می فهمیدند که من با تمام وجود عاشق شده بودم.»

شمسی جلفا

مرو نویسن



رمان «بلندی های بادگیر» یک رمان عاشقانه کلاسیک است با قصه ای جذاب و با تعلیق بسیار بالا که به لحاظ مضمون و محتوای عاشقانه اش و نیز به خاطر روایت خوشخوانش درخور تحسین است. فقط با مطالعه این کتاب است که می توان درک کرد چرا هنوز مخاطبان و طرفداران ادبیات داستانی رمان بلندی های بادگیر را سر دست می برند و با اشتیاق فراوان می خوانند و لذت می برند. ادبیات عاشقانه همیشه جذاب بوده و همچنان جذاب است و فرقی ندارد که داستان مربوط به صد و اندی سال قبل یا بیشتر باشد یا برای همین عصر معاصر.

امیلی برونته، نویسنده کتاب بلندی های بادگیر متولد ۱۸۱۸ است. این رمان، اولین و آخرین رمان نویسنده است و یکی از عجیب ترین و شورانگیزترین آثار ادبیات انگلیس و از معروف ترین رمان های عاشقانه جهان به شمار می آید. از ویژگی های بدیع و متمایز این رمان، قدرت و تازگی، لحن شاعرانه و بیان دراماتیک آن و ساختار غیر معمول آن است که مورد توجه خیل عظیمی از مخاطبان قرار گرفته و با گذر زمان به یکی از رمان های محبوب دنیا تبدیل شده است. رمان بلندی های بادگیر را نه از روی اقبال عام، بلکه از آن وجه که چشم متخصصان ادبیات و به قول معروف اهل فن نیز آنچنان به آن دوخته شده، بدیع و تازه است که با وجود گذشت سال ها از تحریر آن از چشم حرفه ای های ادبیات نیز نیفتاده.

امیلی برونته، نویسنده رئالیستی است که کتاب بلندی های بادگیر را به زبان ساده روزگار خود نوشته است اما رگه هایی از سبک رمانتیکسم و سنت داستان نویسی گوتیک در کارش نمایان است. این رمان درباره عشقی است قدرتمندتر از مرگ، شور و سودایی خارق العاده، بی همتا و مرموز که با قلم نابغه ای آرام، تنها و متکی بر تخیل خود به نگارش در آمده است؛ خواهرش شارلوت برونته درباره اش گفته است: «نیرومندتر از مردان، ساده تر از کودکان، بی همتا در میان همتایان...». فضا و ادبیات امیلی در زمان حال نمی گنجد و به نوعی باطل شده، ولی او چنان با خلاقیت و صراحت، تأثیرات رفتارهای ستیزه گرانه و خشن را بر روح و روان آدمی به تصویر کشیده که گویی در زمان حال می زیسته و در زمینه ناهنجاری ها مدرکی دانشگاهی داشته است.

این داستان دامنه وسیعی برای تفکر و اندیشیدن در مقابل انسان گسترده می کند. متأسفانه این کتاب هم از آن دست کتاب هایی است که پس از مرگ خالق خود، او را به شهرتی جهانی رسانده؛ کسی که فرزندش در بدو تولد، به خاطر بیماری سل درگذشته است. بلندی های بادگیر با این که در یک سال نخست مورد توجه قرار نگرفت، ولی دیری نگذشت که در تاریخ ادبیات چنان جای خود را سفت کرد که چند سال است دست به دست می شود و نسل های پیاپی آن را با اشتیاق می خوانند و همچنان منتقدان حرفه ای ادبیات

